
آداب سخن و زبان
در سفرهای زیارتی
شکیبا سادات جوهری

بسم الله الرحمن الرحیم

آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی

نویسنده:

شکیبا سادات جوهری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی

مشخصات کتاب

سرشناسه : جوهری، شکیباسادات

عنوان و نام پدیدآور : آداب سخن و زبان در سفرهای زیارتی/ شکیبا سادات جوهری.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۸۹ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۸۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۸۵ - ۸۹.

موضوع : گفتار -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : مسافرت-- آداب و رسوم -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP۲۵۱/ج۹آ۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۴۹۸۹۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

دیباچه

انسـان موجـودی اجتمـاعی است و تـداوم زنـدگی سـعادتمندانه او در پرتو پیونـدی مودت آمیز همراه بـا تفـاهم و احـترام متقابـل با همنوعانش امکان پذیر است. او ناگزیر است در تعامل با دیگران رفتاری را برگزیند که انتظار انجام آن را از دیگران دارد.

اگر مایل است دیگران با او خوشـرفتاری کنند، آبرویش و اسـرارش را حفظ کنند، از بدی های او چشم بپوشـند، با او صادق باشند، غیبتش را نکنند، به او تهمت نزنند و. . . خود نیز می باید انتظار دیگران را در این زمینه برآورد؛ چراکه در روایات اشاره شده است:

«أحِبُّوا لِلنّاسِ ما تُحِبّون لِأنفُسِكُم» ؛ «آنچه را برای خود می پسندید برای دیگران نیز بپسندید» .

زبان یکی از ابزارهایی است که خداوند در اختیار بشر قرار داده و در زندگی اجتماعی او بسیار تأثیرگذار است.

ص: ۸

چگونگی بهره گیری از این نعمت الهی می تواند انسان را سعادتمند یا نگون بخت گرداند. ازاین رو، بهره گیری و مواظبت از آن، بـه ویژه در سـفرهای زیـارتی حـج و عمره کـه زمینـه بهره گیری مثبت و منفی آن به دلیـل حضـور در جمع فراوان است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

اثر پیش رو بـا عنوان «آداب سـخن و زبـان در سـفرهای زیارتی» به همت محقق ارجمنـد سـرکار خانم شـکیبا سادات جوهری جمع آوری و تدوین شده است. امیدواریم برای استفاده عموم، به ویژه زائران خانه دوست، مفید و سودمند واقع شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

ص: ۹

مقدمه

در زنـدگی انسان، زبان، مؤثرترین و آسان ترین ابزار برای ارتباط، ترجمان اندیشه، بیان احساس های درونی، آموزش میراث فکری و انتقـال فرهنگ و تجربه از نسـلی به نسل دیگر است. ازاین رو، اهمیت و ارزشـی بسـیار دارد. از سویی دیگر، زبان، همان گونه که می تواند مایه کمال و خوشبختی انسان باشد، در صورت کنترل نشدن، دین و دنیای او را تباه می کند.

از جلوه هـای زبـان، زیبـا سـخن گفتن است که در میان دیگر زیبایی های جهان، جایگاهی ویژه دارد. جایگاه والای زبان، در عزت آفرینی یا زوال اخلاقی انسان ها، بر کسی پوشیده نیست. ازاین رو، شایسته است زائران سفرهای معنوی از این جایگاه آگاهی یابند.

زبان، وسیله است و کاربرد هر وسیله و کارآیی آن، به

ص: ۱۰

نوع استفاده از آن بستگی دارد؛ می تواند چون شمشیر برنده ای عمل کند و سر گوینده اش را به باد دهد یا از افتادن نابینایی در چاه جلوگیری کند. امام علی (ع) در این باره می فرماید:

«کَمْ مِنْ إنسانٍ أهْلَکَهُ لِسانٌ» (۱)؛ «چه بسیار انسانی که زبان، او را نابود کرد» .

بر این اساس، باید همواره مراقب این شمشیر تیز و برنده بود تا از پیامدهای زیانبار آن در امان بمانیم و این مراقبت در سفرهای زیارتی بیشتر خود را نمایان می سازد. امیرمؤمنان علی (ع) به پیروان خویش سفارش می کند:

وَلْیَخزُنِ الرَّجُلُ لِسانَهُ فَإنَّ هَذَا اللِّسانَ جَمُوحٌ بصاحِبِهِ. (۲)

مرد باید زبانش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش صاحب خود را به هلاکت می اندازد.

بر همین اساس، به حفظ زبان سفارش شده است، چنان که ناصرخسرو سروده:

مکن مجروح دل ها را به طعنه

از امام علی (ع) پرسیدند: «زیباترین آفریده خدا کدام است؟» حضرت فرمود: «سخن» . گفتند: «زشت ترین آن کدام است؟» باز هم فرمود: «سخن» . سپس فرمود:

۱- غرر الحکم، تمیمی آمدی، ص ۲۱۳.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۷۶.

ص: ۱۱

بِالکلامِ ابیَضّتِ الْوجُوهُ وَ بِالکلامِ اسوَدَّتِ الْوُجُوهُ. (۱)

چهره ها با سخن، سفید می شود و نیز با سخن، سیاه می شوند.

بر اساس سخن زیبای امیرمؤمنان علی (ع) ، برخی به دلیل سخن سنجیده و وزین خود، روسفید می شوند و گروهی به دلیل بیهوده گویی، پر گویی، غیبت، دروغ و مانند آن، روسیاه و سرافکنده می گردند.

نقل است شخصی از رسول اکرم (ص) خواست وی را نصیحت کند. حضرت فرمود: «زبانت را حفظ کن!» و سه بار این جمله را تکرار کرد. (۲)

نگه دار زبان تا به دوزخت نبرند که از زبان بتر اندر جهان زیانی نیست

امام علی (ع) می فرماید:

لا یَستَقیمُ إیمانُ عَبْدٍ حَتّی یَستَقیمَ قَلْبُهُ وَ لا یَسْتَقیمُ قَلْبُهُ حتّی یَستَقیمَ لِسانُهُ. (۳)

ایمان بنده ای استوار نگردد تا دل او استوار شود، و دل او استوار نشود تا زبانش استوار گردد.

زبان، ترجمان قلب آدمی است و آنچه در وجود

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۵۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷، ص ۳۰۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

ص: ۱۲

اوست، بر زبانش جاری می شود؛ به تعبیر دیگر، زبان، آیینه تمام نمای وجود آدمی است.

زائر کوی جانـان از آن زمـان که در میقات حضور می یابـد و لباس احرام بر تن می کنـد، پیمان یک دلی، یک زبانی و یک رنگی می بنـدد و همواره خداونـد را می سـتاید. در برابر الطـاف بیکران خداونـد، سـر تعظیم و تسـلیم فرود می آورد. آنچه از زبـانش می تراود، در حقیقت از قلبش برخاسـته است. از صـفات زشت دوری می کنـد و می کوشـد خود را بـا کردار و گفتـار نیـک به خـدا و بنـدگان خدا نزدیک سازد. زائر، با لحنی نرم و کلامی محترمانه با دیگران سـخن می گوید. زائران باید از زبان برای گسترش خیر و نیکی و مهربانی و صداقت در همکاری بهره برند و نهایت دقت را در بیان نیکو و هماهنگی بین گفتار و رفتار داشـته باشند و بدانند که دورویی، نفاق و دوگانگی روزی آشکار می شود و چهرهٔ واقعی آدمی را نزد دیگران آشکار می سازد.

ص: ۱۳

فصل اول کارکردهای مثبت زبان در سفرهای زیارتی

اشاره

ص: ۱۴

ص: ۱۵

زیبایی های زبان

اشاره

زیبایی امری مطلوب است. خداوند نیز به این صفت توصیف شده است؛ چنان که در دعای سحر می خوانیم:

اللّهُمَّ إنِّی أَسأَلُکَ مِنْ جَمالِکَ بِأَجْمَلِهِ وَ کُلُّ جَمالِکَ جَمیلٌ. (۱)

خدایا! زیباترین زیبایی هایت را می خواهم و همه زیبایی های تو زیباست.

جهان هستی نیز زیباست و جلوه ای از صفات الهی است. زیبایی های جهان آفرینش مانند آسمان و ستارگانش، چهره انسان، زیبایی جانداران، منظره های طبیعی و نیز زیبایی هایی که پیامد فکر و ذوق انسان است، همگی ستایش شده و به خواست پروردگار است. در میان همه این زیبایی ها، سخن زیبا، جایگاهی ویژه دارد. این جایگاه هم به دلیل ویژگی های لفظی و ادبی و ترکیب

۱- مفاتیح الجنان، دعای سحر.

ص: ۱۶

واژگان مناسب آن در جمله زیباست و هم از نظر محتوای سخن باید پسندیده و ارزشمند باشد. خداوند در قرآن، سخن زیبا و نیکو را ارزشمند دانسته و از بندگان خود خواسته است، سخنانشان را به برترین صورت به زبان آورند: (قُلْ لِعِبادِی یَقُولُوا الَّتِی هِیَ أَحْسَنُ) ؛ «به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد» . (اسراء:۵۳)

پیشوایان معصوم (علیهم السلام) هم خود زیبا سخن گفته اند و هم دیگران را به زیباگویی فرا خوانده اند.

نهج البلاغه، نمونه ای ارزشمند از سخن زیباست. در این اثر، حضرت علی (ع) که در عالی ترین مرتبه سخنوری قرار دارد، توانایی خود را در قالب عبارات کوتاه و تشبیهی جالب، چنین بیان کرده است:

وَ إِنّا لأُمَراءُ الکَلامِ فینا تَنَشَّبَتْ عُرُوقُهُ وَ عَلَینا تَهَدَّلَتْ غُصُونُهُ. (۱)

ما [اهل بیت رسول خدا (ص)]، امیران سخن هستیم. درخت سخن در وجود ما ریشه دوانیده و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است.

«سلیمان بن مهران» می گوید: روزی امام صادق (ع) به شماری از پیروان خود فرمود:

ای گروه شیعه! زینت ما باشید و مایه ننگ ما نباشید!

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

ص: ۱۷

با مردم، نیکو سخن بگویید، زبان هایتان را نگه دارید و آن را از پر گویی و سخن زشت بازدارید. (۱)

سخن زیبـا، آثـار و برکـات فراوانی دارد که اگر زائران، زبـان خود را به زیبـاگویی عـادت دهنـد، از زیبایی های زبان بهره منـد می شوند. امام زین العابدین (ع) ، به پنج پیامد زیباگویی این گونه اشاره کرده است:

اَلْقَولُ الحَسَنُ یُثْری الْمالَ وَ یُنْمی الرِّزْقَ وَ یُنسی فی الأجَلِ و یُحَبِّبُ إلَی الأهلِ وَ یُدخِلُ الجَنَّهَ. (۲)

سخن زیبا، مال و ثروت را زیاد می کنـد؛ روزی را افزایش می دهـد؛ مرگ را به تأخیر می اندازد؛ آدمی را محبوب خانواده اش می سازد و او را وارد بهشت می کند.

امیر مؤمنـان علی (ع) نیز خوش زبانی را موجب افزایش دوسـتان و کم شـدن دشـمنان و ایمنی از سـرزنش ها معرفی می کنـد و می فرماید:

عَوِّد لِسانَکَ لینَ الکَلامِ وَ بَذْلَ السَّلامِ یَکْثُرْ مُحِبُّوکَ وَ یَقِلَّ مُبغِضُوکَ. (۳)

زبانت را به نرم گویی و سلام کردن عادت ده، تا دوستانت بسیار و دشمنانت اندک شود.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۳- غرر الحکم، ص ۴۳۵.

ص: ۱۸

زائران سفرهای معنوی باید به گونه ای با هم اطاقی و همسفران خود سخن بگویند که باعث جذب آنها شود و دوستی های جدید ایجاد کند و باعث شود این دوستی ها بعد از سفر هم ادامه پیدا کند.

خداوند، انسان را آفرید و آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ ها را از نشانه های قدرتش بیان کرد؛ زیرا در آن پندهایی برای انسان نهفته است. اختلاف زبان، از نشانه های قدرت الهی است و مسلمانانی که در سراسر جهان زندگی می کنند، یک زبان به یگانگی پروردگار هستی و رسالت پیامبران اقرار می کنند و زیباترین اقرار، ذکر «لا اله الاّ الله» است. این جمله، به معنای گشودن زبان به حق و بندگی خداوند است.

بنابراین، هرچه زائر در دوستی با پرورگار، ثابت قدم باشد و به محبوب حقیقی امید بندد و دوستی خدا را در بندگی و پیروی از او بداند، خداوند نیز او را در زمره محبوبان خود قرار می دهد. اکنون به برخی از زیبایی های زبان اشاره می کنیم:

۱. ذکر

دوران سفر، فرصتی مناسب است تا زائر، با بهره گیری از زبان با یاد خدا انس بگیرد و با تلاوت دعا و گفتن ذکر، دل خود را صفا بخشد و از این توفیق معنوی بهره برد.

ص: ۱۹

ذکر زبانی از راه های مؤثر انس با خـداست. خواندن نمازهای یومیه و نافله، دعا و نیایش، مناجات با معبود و گفتن ذکر، جلوه های انس با خداست.

حضور زائران در فضای معنوی مسـجدالنبی و مسـجدالحرام، بهترین فرصت برای این انس است. در آموزه های دینی، سـفارش شده است زائران، زبان خویش را همواره به ذکر خدا عطرآگین کنند و پیوسته خدا را به بزرگی و یکتایی بستایند.

همچنین، بر محمد و آل محمد (ص) صـلوات بفرسـتند یا نام های مبارک خداوند را به زبان بیاورند. «یا ستار» ، «یا غفار» ، «یا ارحم الراحمین» و «الحمـدلله رب العـالمین» ، از ذکرهـایی است که قلب را روشن می کنـد و چون شـمیمی، روح را می نوازد. این اذکـار مقـدس و زیبا، افزون بر آنکه زینت زبان زائران است، هم آنان را از ثواب آن بهره مند می کند و هم از حرف های بیهوده دور نگه می دارد.

بر اسـاس روایت هـای اسـلامی، اعمـال انسـان در کارنـامه عملش ثبت می شود. چه نیکوست که این اعمـال، دعـا و نیایش و اذکار متبرکه باشد. امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید:

ما مِنْ أَحَدٍ إلاّ وَ مَعَهُ مَلَكانِ يَكْتُبانِ ما يَلفِظُهُ ثُمَّ يَرْفَعانِ ذلِك إلى مَلَكَيْنِ فَوْقَهُما فَيُثْبِتانِ مَا كَانَ مِنْ

ص: ۲۰

خَیرٍ وَ شَرٍّ وَ یَلْقیانِ ما سِوی ذلِک. (۱)

هیچ کس نیست؛ جز آنکه با او دو فرشته است که آنچه را می گوید، می نویسند. سپس آن نوشته را به دو فرشته دیگر که بالاتر از آنان هستند، می دهند. آن دو فرشته، خیر و شر آن را ثبت می کنند و غیر آن را دور می افکنند.

۲. راستگویی

راستی و صداقت، از صفات برجسته زائران است و منزلت و جایگاه آنان را نزد همسفران ارتقا می بخشد و موجب جلب اعتماد همسفران می شود. زائران باید در سفرهای معنوی، این ویژگی نیکوی انسانی را ارج نهند و آن را در وجود خویش، بیش از پیش پرورش دهند تا حجشان مقبول درگاه الهی قرار گیرد و در برابر صدقشان پاداش گیرند. در آیه ای از قرآن می خوانیم:

لِیَجْزِیَ اللهُ الصَّادِقِینَ بِصِدْقِهِمْ (احزاب: ۲۴)

هدف این است که خداوند، راستگویان را به خاطر صدقشان پاداش دهد.

راستگویی، سبب تزکیه و پاکی کردار آدمی می شود؛ چنان که امام صادق (ع) می فرماید:

«مَنْ صَدَقَ لِسانُهُ زَکی

۱- آثار الصادقین، صادق احسان بخش، ج ۲۱، ص ۱۱۹.

ص: ۲۱

عَمَلُهُ» (۱)؛ «آن که زبانش راست بگوید، عملش پاک می شود» .

همچنین فرمود:

یا فُضَیلُ! إنَّ الصّادِقَ أَوَّلُ مَنْ یُصَدِّقُهُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۲)

ای فضیل! همانا راستگو، نخستین کسی است که خداوند او را تصدیق می کند.

امام باقر (ع) نیز فرموده است:

«تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ

قَبْلَ الْحَدیثِ» (۳)؛ «پیش از سخن گفتن، راستگویی را بیاموزید» .

سخن راست، بر رفتار آدمی تأثیر می گذارد. یکی از اهداف بعثت پیامبران نیز حاکمیت راستگویی و حفظ امانت در جامعه انسانی بوده است. اساس همه آموزه های اخلاقی، آراسته شدن به زیور راستگویی است تا آدمی از هر نظر، برای حرکت به سوی تکامل و قرب الهی، آماده شود. اگر زبان فرد گویای چیزی و رفتارش خلاف آن باشد، در حقیقت، به سوی نفاق و دورویی گام برمی دارد، درحالی که خود خبر ندارد.

۳. استغفار

اشاره

از راه های نزدیکی به خداوند مهربان، استغفار است. استغفار نوعی عبادت، و عبادت، از عوامل رشد روحی و

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۶.

۲- اصول کافی، ج ۳،، ص ۱۶۳.

۳- اصول کافی، ج ۳،، ص ۱۶۳.

ص: ۲۲

معنوی است. عبادت آرام بخش و روح افزاست. زیبایی عبادت به این است که انسان، با برترین موجود، یعنی کمال بی نهایت هستی، ارتباطی عمیق برقرار می کند و بی هیچ پرده و حجابی با او سخن می گوید. استغفار نیز از شیرینی های زبان است. انسان باید از گناهی که مرتکب شده، توبه کند و حتی اگر گناهی مرتکب نشده باشد نیز،

پسندیده است در همه حال استغفار گوید. در حقیقت، می توان گفت استغفار، نوعی دعاست و انسان، همواره باید دعا کند؛ زیرا دعا سلاح مؤمن و روح عبادت است. البته استغفار باید با یقین و حضور قلب باشد و تنها گفتن این کلمه کافی نیست، بلکه باید به معنای عمیق آن توجه شود. استغفار کردن باید موجب تحول درونی در شخص شود؛ به گونه ای که دیگر مرتکب گناه نشود.

نقل است رسول گرامی اسلام (ص) با وجود داشتن عصمت همواره استغفار می کردند. بنابراین ما نیز باید با پیروی از سنت رسول الله (ص) حداقل روزی هفتاد بار استغفار کنیم تا از رحمت خداوند متعال بهره مند شویم.

در کلامی از امام صادق (ع) می خوانیم: «پیامبر هر روز هفتاد مرتبه استغفرالله و هفتاد مرتبه اتوب إلی الله می گفت» . (۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۴.

ص: ۲۳

این کار، نشانه و رسم بندگی و توجه کامل و پیوسته به معبود است.

و شما ای زائر پیامبر و ای معتکف مسجد نبوی، با خود بیندیش چند بار با نبی مکرم اسلام (ص) همنوا شدی و در مسجد النبی استغفار کردی؟ ! آیا به جای اینکه با دوست و همسفرت قیمت اجناس را برانداز کنی که کدام

ارزان تر است، بهتر نیست فرصت را غنیمت شماری و زبانت را به ذکر «استغفر الله» مترنم کنی؟

-استغفار بی روح

رِفاعه می گوید:

ما در جنگ جمل با امیرالمؤمنین (ع) بودیم. حضرت کسی را دنبال طلحه بن عبیدالله فرستاد و خواستار شد که با او ملاقات کند. طلحه نزد حضرت آمد. امام (ع) به او فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم آیا از رسول خدا (ص) نشنیدی که فرمودند: «هرکس من مولای اویم، پس علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار هرکس علی را دوست دارد و دشمن بدار هرکس علی را دشمن می دارد» ؟ ! طلحه گفت: «آری شنیده ام!» حضرت فرمود: «پس چرا به جنگ با من برخاسته ای؟ تو اول کسی بودی که با من بیعت کردی و سپس

ص: ۲۴

بیعت خود را شکستی. درحالی که خداوند عزّوجلّ می فرماید: هر کس پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان شکسته است» . (۱)در این هنگام طلحه گفت: «استغفرالله» و سپس برگشت. با اینکه در مقابل علی (ع) از کرده خود طلب استغفار کرد، اما

وقتی به سپاه جمل برگشت به رفتار اشتباه خود ادامه داد و در این جنگ کشته شد و طلحه الخیر به طلحه الشر تبدیل شد. (۲)

۴. قرائت قرآن

قرآن، کتاب آسمانی و روشنگر راه زندگانی مسلمانان جهان و معجزه جاویدان رسول اکرم (ص) است. خواندن قرآن قلب را آرام می کند و نور چشم را زیاد می نماید. چه زیباست که زائر هر فرصتی به دست آورد، شمیم جان خویش را با خواندن آیات مبارک قرآن بنوازد و روح خویش را صیقل دهد. خصوصاً اگر این فرد زائر خانه خدا و شهر رسول الله باشد؛ جایی که مرکز نزول قرآن است و جای جای آن یادآور نزول آیات الهی است. تلاوت و ختم قرآن در مدینه و مکه اهمیت ویژه ای دارد. امام سجاد (ع) فرمود: «هرکس در مکه ختم قرآن کند،

۱- فتح: ۱۰.

۲- هزار و یک حکایت اخلاقی، صص ۶۴۵ و ۶۴۶.

ص: ۲۵

نمی میرد تا آنکه پیامبر خدا را ببیند و جایگاهش را در بهشت بنگرد» . (۱)

امام باقر (ع) فرمود:

هرکس کـه در مکه از جمعه تـا جمعه یـا در کمـتر یـا بیشـتر از آن ختم قرآن کنـد و پایـان آن، روز جمعه باشـد، برای او پـاداش و حسنات از اولین جمعه ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه ای که در دنیا خواهد بود، نوشته می شود. اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند، همین طور است. (۲)

ای خواهر و برادر زائر، آیا نمی خواهید پاداش تمام عمر تلاوت کردن قرآن را ببرید؟ پس فرصت به دست آمده را غنیمت شمارید و برای خود در طول سـفر زمان هایی را در نظر بگیرید و در مسـجدالنبی یا مسجدالحرام به تلاوت قرآن بپردازید که چنین فرصـت هایی دوباره به دست نمی آید.

۵. شکرگزاری

از زیبایی های زبان، نعمت شـکر گزاری است. خداوند مهربان، تنها معبودی است که شایسـته شـکر گزاری است و انسان هر گز نمی تواند با زبان خویش، از عهده شکر او

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ص ۳۶.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ص ۳۶..

ص: ۲۶

برآیـد. خداونـد متعال، نعمت های بسـیاری، از جمله چشم، گوش، زبان، راه رفتن و. . . به انسان بخشـیده است؛ نعمت های بزرگی که می توانیم به وسیله آنها به راه حق و حقیقت رهنمون شویم. امام سجاد (ع) در مقام شکر از محضر پروردگار می فرماید:

خـدایا! هرگاه کسـی در طریق شـکر تو، به سـرمنزلی رسـد، احسان دیگری از سوی تو برای او فراهم آید و سـپاس دیگری را بر وی لازم گردانـد؛ هرچه در فرمان برداری از تو کوشـش کنـد، به سـرانجامی نرسد و به آن مرتبه از طاعت که تو به فضل و احسان خود سزاوار آن هستی، دست نیابـد. پس شاکرترین بنـدگانت، از سـپاس تو ناتوان باشد و عابدترین ایشان، از فرمان برداری ات فرو ماند. (۱)

زائران گرامی نیک می دانند که شـکرگزاری از پروردگار هستی، اظهار رضایتمندی از منعم و سـپاس از خداوند است. همچنین، از فضـیلت های زبان آدمی است که با بیان جمله زیبای «الحمدلله» ، شـکرگزار خداوند باشـیم. این شکرگزاری، سبب رفع بلا و فزونی نعمت می شود. از رسول گرامی اسلام (ص) روایت شده است:

کسی که چیزی بخورد و شکر کند، اجر او مانند

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۳۷.

ص: ۲۷

اجر کسی است که برای رضای خدا روزه گرفته و کسی که بدن او سالم باشد و شکر کند، اجر او چون اجر کسی است که در بیماری صبر کرده و ثروتمند شاکر، اجری مانند فقیر قانع دارد.

آن حضرت در کلامی دیگر فرمود:

در روز قیامت، منادی ندا می دهد که حمدکنندگان برخیزید. پس طایفه ای برمی خیزند و پرچمی برای ایشان نصب می کنند و ایشان داخل بهشت می شوند.

عده ای پرسیدند: «حمدکنندگان کیستند؟» حضرت (ص) فرمود: «کسانی که خدا را در هر حال شکر می کنند» . (۱)

امام محمد باقر (ع) روایت کرده است:

شبی پیامبر خدا (ص) در حجره عایشه بود. عایشه گفت: «یا رسول الله! چرا این قدر خود را در عبادت رنج می دهی و خسته می کنی، درحالی که خدا همه گناهان تو را آمرزیده است؟ رسول خدا (ص) فرمود: «آیا بنده شاکر نباشم» . (۲)

روایت شده است که خداوند سبحان، به موسی (ع) وحی فرستاد: «ای موسی، حق شکر مرا ادا کن!» موسی (ع) عرض کرد: «پروردگارا! چگونه تو را به شایستگی شکر

۱- معراج السعاده، ص ۵۹۷.

۲- معراج السعاده، ص ۵۹۷.

ص: ۲۸

کنم، حال آنکه هیچ شکری نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن نیز نعمت توست» . خطاب رسید: «که ای موسی! حال که مرا شکر کردی، دانستی این هم از من است» . (۱)

و تو ای زائر کوی جانان آیا شاکر نعمتی که پروردگار عالم شامل حالت کرد، هستی؟ آیا پاس دعوت پروردگار را به جای می آوری؟ آیا حضور در کنار خانه خدا و مسجد الحرام را - که یک رکعت نماز در آن برابر با صد هزار نماز در سایر مساجد است (۲)- شکر گزاردی؟ آیا حضور در کنار حرم نبوی و مسجد النبی را غنیمت شمردی که یک رکعت نماز در آن برابر با ده هزار نماز در سایر مساجد است؟ (۳)آیا توفیق حضور در حرم حسینی را که خداوند استجابت دعای زیر گنبد او را ضمانت کرده، غنیمت شمردی؟ راستی، چگونه شکر زبانی و عملی این نعمت ها را می توان به جای آورد. غیر از این است که با توجه به خدا و اهل بیت معصومین (علیهم السلام) و نماز و دعا و تلاوت قرآن می توان شکرگزار این نعمت بود.

شایسته است با استفاده از نعمت خداوند که همان زبان است، خدای مهربان را شکر کنیم و در همه حال،

۱- معراج السعاده، ص ۵۹۸.

۲- معراج السعاده، ص ۵۹۸.

۳- معراج السعاده، ص ۵۹۸.

ص: ۲۹

تسبیح گوی خوان نعمتش باشیم. بنده باید از خدا بخواهد توفیق بزرگ سپاس گزاری را از وی نگیرد؛ زیرا همواره به لطف و کرامت او نیازمند است. در حقیقت، شکر انسان، اعتراف زبان دل است به ناتوانی خود و توانایی قادر متعال.

۶. دعا و راز و نیاز با خدا

اشاره

از جلوه های زیبای بهره گیری از زبان، می توان به راز ونیاز با خداوند منان اشاره کرد. برای مؤمنانی که به معرفت رسیده اند، شکوهمندترین زمان، لحظه ای است که در محضر پروردگار هستی، به دعا و مناجات می پردازند و با ساده ترین الفاظ، در برابر تواناترین قدرت، ابراز ناتوانی می کنند.

رسولان الهی، در تنگناهای زندگی با دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند، از او یاری می خواستند. زندگی ائمه (علیهم السلام) نیز سرشار از مضامین زیبایی است که با مقدس ترین کلمات، پروردگار را می ستودند.

زندگی امام سجاد (ع) سرشار از دعاهایی زیبا و پرمحتواست که نیازمندی انسان را به خدای بی نیاز بیان می کند و گویای آن است که ما به پروردگار نیازمندیم و او سزاوار پرستش.

امام سجاد (ع) در نیایش خود این گونه به خدای متعال

ص: ۳۰

پناه می برد:

خـدایا! اگر اراده کنی که مـا را بیـامرزی، این آمرزش نـتیجه فضـل تـوست و اگر خـواست تو، کیفر دادن مـا باشـد، این کیفر نیز از عـدالت توست. بر ما منّت گذار و در کار بخشـش خود سـخت مگیر! از گناهان ما درگذر و ما را از عذاب خود رهایی ده که ما را طاقت عدل تو نیست. بی بخشایش تو، هیچ یک از ما را امید نجات نباشد. (۱)

دعا نزدیک ترین راه پیوند مخلوق به خالق تواناست و خاکیان با راز و نیاز می توانند افلاکی شوند و از فرش به عرش برسـند. راز و نیاز انسان با خدا از والاترین ذکرهاست. انسان در راز و نیاز با خداوند، شایستگی سخن گفتن با محبوب یکتا را پیدا می کند و ذره ذره وجودش سرشار از آرامش می شود؛ بدی ها را کنار می گذارد و خوبی هایش افزون می شود؛ سر به سجده می گذارد و حلقه بنـدگی حق تعـالی را بر گردن می نهـد و از نمـاز، نور معرفت می گیرد و نورانی می شود. آن گاه معنای حقیقی ذکر و یاد خـدا را بیشتر و بهتر درک می کند و در نهایت، به ساحل سلام و سلامت می رسد.

۱- صحیفه سجادیه، دعای دهم.

ص: ۳۱

زائران عزیز بایـد فرصت را مغتنم شـمرده نیمه شب های مسـجدالنبی و مسـجدالحرام را قدر بدانند. از نیمه های شب تا نزدیک نماز صبح بهترین اوقات راز و نیاز شبانه است.

زائران در خلوت ربانی مسجدالحرام و مسجدالنبی محو دیدار معشوق حقیقی شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی سپارند.

راز و نیازهای شـبانه در سـرزمین وحی آن قـدر لـذت بخش است که در کمتر جایی چنین لـذتی برای فرد ایجاد می شود. ازاین رو زائران نباید این روزهای معنوی را از دست بدهند.

-چگونه دعا کنیم

امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه می خواهید از خداوند حاجتی بگیرید، باید ابتدا خدا را ستایش کنید. چنان که اگر از سلطانی چیزی بخواهید سعی می کنید سخنان آراسته ای برای صـحبت کردن با او آماده کنید. شـما نیز وقتی از خدا درخواستی دارید، پروردگار عزیز و جبار را تمجید و ستایش کنید و او را ثنا گویید؛ مانند این سـخنان: «یا أجْوَدَ مَنْ أعطی و یا خَیرَ مَنْ سُئِلَ یا أَرحَمَ مَنِ اسْتُرحِمَ یا أحدُ یا صمدُ یا مَنْ لَمْ یلد و لَم یُولد و لم یکن لَهُ کُفُواً أحدٌ یا مَنْ لم

ص: ۳۲

یتّخِذ صاحبهً و لا وَلَداً و یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشاءُ و یَحکُمُ ما یُریدُ» .

آن گـاه هرچه می توانی بیشتر او را به نـام هـای بزرگش یـاد کن و بر پیـامبر و آلش صـلوات بفرست و بگو: «پروردگـارا! از روزی حلال بر من توسـعه بده به مقداری که آبرویم حفظ شود و به وسـیله آن امانتی را که به من سپرده ای حقش را ادا کنم و صـله رحم انجام دهم و آن مال مرا کمک کند برای انجام حج و عمره» .

سپس فرمود:

مردی وارد مسـجد شد، دو رکعت نماز خواند. آن گاه دست بلند کرد و حاجت خود را از خداوند خواست. پیامبر او را مشاهده می کرد، فرمود: «این مرد خیلی زود و با عجله حاجت خود را خواست» . مرد دیگری پس از او وارد شد و دو رکعت نماز به جا آورد و بعـد از نمـاز، خـدا را ثنـا گفت و بر پیـامبر (ص) و آلش صـلوات فرسـتاد. آن گاه حضـرت رسول (ص) فرمود: «درخواست کن که هرچه بخواهی خداوند به تو می دهد!» . (۱)

ای میهمانان خدا و زائران حرم نبوی! ای زائران اولیای

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۵.

ص: ۳۳

خدا، آگاه باشید که به بهترین مکان دعوت شده اید؛

جایگاه دعا و راز و نیاز. ازاین رو با ادب و احترام خاص مشغول دعا شوید و مطمئن باشید خداوند به زائر امام حسین (ع) و زائر پیامبر (ص) که خاندان عصمت و طهارت را واسطه فیض قرار می دهند، توجه خاص می نماید.

ص: ۳۴

ص: ۳۵

فصل دوم کارکردهای منفی زبان در سفرهای زیارتی

اشاره

ص: ۳۶

ص: ۳۷

زشتی های زبان

اشاره

توجه به آفت ها و آسیب های زبان، بسیار مهم و ضروری است. بدزبانی، از زشتی های مهم زبان و نشانه انحطاط اخلاقی است. اولیای دین، در سخنان خود به پیامدهای روانی، اجتماعی و عقوبت اخروی این صفت نکوهیده اشاره کرده اند. حضرت علی (ع) در این باره فرمود:

إيّاكَ وَ ما يُستَهْجَنُ مِنَ الكَلامِ فإنَّهُ يَحبِسُ عَلَيْكَ اللِّئامَ وَ يُنَفِّرُ عَنْكَ الكِرامَ. (۱)

از سخن زشت و ناپسند بپرهیز؛ زیرا زشت گویی، فرومایگان را اطرافت نگاه می دارد و افراد شریف و بزرگوار را از گردت می پراکند.

نتیجه همنشینی با افراد بدزبان، بدزبانی و دشنام گویی است. نامیدن افراد به القاب ناپسند نیز پیامدهای منفی بسیاری دارد. بر این اساس، شایسته است انسان، عیب های

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۴.

ص: ۳۸

خود را اصلاح کند و فقط در پی آشکار کردن عیوب دیگران نباشد. در آزموه های اخلاقی سفارش شده است، زائرانی که دوست دارنـد مقرب خداونـد شوند و دعایشان مستجاب شود، باید از عیب جویی بپرهیزند و از خداوند کریم که ناظر بر همه اعمال است، بخواهند زبانشان را از زشتی ها حفظ کند.

از زشتی های زبان می توان به غیبت، تهمت، انکار و تکـذیب، اهانت، ناسـزاگویی، دروغ، تمسـخر و. . . اشاره کرد. در آموزه های اسـلامی، این اعمـال، ناپسـند شـمرده شـده است. از آنجـا که زائر در مسـیر تزکیه و تهـذیب نفس قرار دارد، بایـد بیش از همیشه به سخنـانش دقت کنـد و بدانـد که سـخنان نابجـا افزون بر آسـیب های فردی آسـیب های اجتماعی فراوانی نیز به دنبال دارد. در اینجا بعضی از زشتی های زبان را بررسی می کنیم:

۱. عیب جویی

اشاره

عیب جویی، از آفت هـای زبان است. بسـیار ناپسـند و زشت است که فردی زبان به طعنه و عیب جویی بگشایـد. یکی از نشانه های بیزاری خداوند از افراد عیب جو نام گذاری یکی از سوره های قرآن به نام «هُمزه» ، یعنی «بسـیار عیب جو» است. مضـمون آیه های ۱۰و۱۱ سوره قلم نیز آشکارا به این مطلب اشاره دارد، آنجا که خداوند می فرماید:

ص: ۳۹

(وَ لا تُطِعْ کُلَّ حَلّافٍ مَهِینٍ * هَمّازٍ مَشّاءٍ بِنَمِیمٍ)

و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن کسی که بسیار عیب جوست و به سخن چینی آمد و شد می کند.

وقتی روابط اجتماعی انسان ها بیشتر می شود، عیب هایشان نیز آشکارتر می شود. ازاین رو، لازم است خوبی های یکدیگر را برجسته کنند و در پی عیوب هم نباشند. توجه به این نکته در سفر ضروری تر است؛ چرا که در این وضعیت امکانات محدودتر و روابط بین همسفران گسترده تر است.

بنابراین، زائران باید توجه داشته باشند عیب جویی، چه در حضور شخص و چه در غیاب او، چه با زبان و چه با اشاره چشم و سر، چه کم و چه زیاد، پسندیده نیست و اگر در میان جمع باشد، اثر منفی آن بیشتر است. همچنین، آدمی نباید از عیب های خود غافل شود و تنها به عیب دیگران توجه کند.

عیب خود نایافتن، بالاترین عیب هاست جاهلان منفصل از جهل را جاهل مخوان

صائب تبریزی

امام علی (ع) در این باره می فرماید:

شَرُّ النّاسِ مَنْ کانَ مُتَتَبِّعاً لِعُیوبِ النّاسِ عَمیاً

ص: ۴۰

عَنْ معايِبِه. (۱)

بدترین مردم کسی است که عیب های مردم را بررسی و جست وجو کند، درحالی که از [دیدن] عیب های خویش غافل و نابیناست.

همچنین در کلامی دیگر می فرماید:

أكبَرُ الْعَيْبِ أنْ تَعيبَ ما فيكَ مِثْلُهُ. (۲)

بزرگ ترین عیب آن است که بر دیگری عیب جویی کنی به آنچه مانند آن، در وجودت هست.

عیب جویان، هیچ گاه ویژگی های مثبت دیگران را نمی بینند؛ زیرا در پی نقاط ضعف آنها هستند تا برای بدنامی و رسوایی آنان، عیب و نقصی بیابند.

همه عیب خلق دیدن، نه مروّت است و مردی نگهی به خویشتن کن که همه گناه داری

سعدی

با توجه به آنچه گفته شد، شایسته است زائران، به جای برشمردن عیوب دیگران، در پی شناخت ضعف ها و عیب های خود و اصلاح آنها باشند. شایسته نیست انسان، نقص های فراوان خود را از یاد ببرد و به عیب جویی از دیگران مشغول شود و نترسد از اینکه خداوند نیز به کیفر

۱- غرر الحکم، ص ۲۳۷.

۲- بحارالانوار، ج۷۲، ص۴۹.

ص: ۴۱

و مکافات عمل زشتش، او را در دنیا و آخرت نزد مردم رسوا و بدنام کند.

عیب کسان منگر و احسان خویش دیده فرو بر به گریبان خویش

سعدی

روزی شخصی به محضر پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت:

ای رسول خدا! دوست دارم خداوند عیب مرا بپوشاند! شما مرا به چه چیزی و انجام دادن چه کاری راهنمایی می کنید تا خداوند به من نظر لطف و رحمت کند، در دنیا و آخرت عیب هایم را فاش نسازد و نزد خلایق رسوایم نکند. حضرت در پاسخ فرمود:

اُسْتُرْ عُیُوبَ إخوانِکَ یَسْتُرُ اللهُ عَلَیکَ عُیُوبَکَ.

عیوب برادرانت را بپوشان تا خداوند، عیب های تو را بپوشاند.

مریز آبرو ای برادر به کوی که دهرت بریزد به شهر آبروی

سعدی

خداوند غفّار می فرماید:

(وَلیَعْفُوا وَلْیَصْفَحُوا أَلا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللهُ لَکُمْ) (نور:۲۲)

آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند، آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟

ص: ۴۲

-حواریون عیب بین و حُسن نظر عیسی (ع)

روزی حضرت عیسی (ع) با حواریون، از کنار مردار سگی می گذشتند. حواریون با دیدن لاشه سگ گفتند: «چه بوی بد و متعفنی دارد؟» حضرت عیسی (ع) به لاشه سگ نگریست و دید دندان های سفیدش پیداست؛ فرمود: «به به چه دندان های سفیدی دارد» . (۱)

گرت عیب جویی بود در سرشت نبینی ز طاووس جز پای زشت

سعدی

-گریه بر عیب خود

روزی «ربیع بن خَیثَم» با عده ای دور هم نشسته بودند و گفت وگو می کردند. یکی از حاضران به ربیع گفت: «هیچ گاه نشنیدیم تو از کسی غیبت و عیب جویی کنی!» ربیع گفت:

از اوضاع و احوال خود راضی و خشنود نیستم تا به غیبت و عیب جویی دیگران بپردازم. مرا گریه بر خویش است، نه بر دیگران. (اشتغال و پرداختن به عیب خویش، مرا از غیبت و عیب جویی دیگران بازداشته است) . (۲)

۱- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۷، ص ۱۵۲.

۲- کشکول، محمد بن حسن شیخ بهایی، ص ۱۵۵.

ص: ۴۳

اگر عیبی در دیگران دیدی با دقت به خود بنگر که آیا همان عیب به گونه ای دیگر در خودت وجود دارد یا نه. رسول گرامی اسلام (ص) در سفارش های خود به علی (ع) فرمود:

یا علیُّ اِذا رَأیتَ النَّاسَ یَشتَغِلونَ بِعُیوبِ النّاسِ فَاشتَغِلْ أنتَ بِعُیوبِ نَفسِک. (۱)

اگر دیدی مردم مشغول شمارش عیب های دیگران هستند تو مشغول یافتن عیب های خودت باش.

-بزرگ بینی عیب دیگران

رسول اکرم (ص) در روایتی فرمود:

کَفی بالمَرءِ عَیْباً أنْ یُبْصِرَ مِنَ النّاسِ ما یَعْمی عَنْهُ. (۲)

همین بدبختی برای آدمی کافی است که عیب

مردم را ببیند، ولی در [دیدن] عیب خود کور و غافل باشد.

یکی از بزرگان نیز گفته است: «شما خسی را در چشم برادر خود می بینید، ولی تیر را در چشم خود نمی بینید» . (۳)

آیینه خویش را به صیقل دادم روشن کردم به پیش خودنهادم

۱- مواعظ العددیه، آیت الله مشکینی، ص ۱۷۸.

۲- جامع السعادات، ملا محمدمهدی نراقی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳- احیاء علوم الدین، غزالی، ج ۳، ص ۲۹۳.

ص: ۴۴

در آینه عیب خویش چندان دیدم کز عیب دگر کسان نیامد یادم

محمود غزنوی

-عیب پوشی خداوند در روز قیامت

روایت شده است هنگامی که روز قیامت فرا می رسد، در آن روز رسول خدا (ص) از خدای سبحان درخواست می کند که به وقت حسابرسی خلایق، امت او را در حضور فرشتگان و پیامبران و امت های دیگر محاسبه نکند تا عیب های امت مسلمان برایشان آشکار نشود. بلکه به طریقی آنها را محاسبه کند که به جز خدای سبحان و پیغمبر او، هیچ کس دیگر بر عیوب و گناهانشان آگاه نشود. وقتی که این درخواست از جانب پیغمبر اکرم (ص) مطرح شد. خداوند در پاسخ آن حضرت فرمود:

ای حبیب من، من نسبت به بندگانم از تو مهربان ترم؛ زیرا همچنان که تو دوست نداری و

مایل نیستی که عیب های ایشان نزد غیر تو آشکار شود، من هم دوست ندارم و روا نمی دارم که عیوب آنها بر تو نیز ظاهر و آشکار گردد. به همین خاطر من خود به تنهایی آنان را محاسبه کرده، به حسابشان رسیدگی می کنم؛ به طوری که جز من کسی بر عیوب و لغزش های ایشان آگاه نشود. (۱)

۱- آفات زبان، ص ۲۸۷.

ص: ۴۵

ملّا مهدی نراقی ذیل حدیث فوق، برای آموزش دادن درست به انسان می فرماید:

پس وقتی عنایت خدای سبحان در پوشاندن عیوب بندگان تا این حد باشد، ای بیچارهٔ مبتلا به انواع عیوب و لغزش ها و گناهان، به چه حقی پرده از عیوب بندگان خدا برمی داری، درحالی که تو خود همانند آنها به انواع عیوب و لغزش ها گرفتاری! بیندیش و فکر کن که اگر کسی گناه یا عیبی از تو را در پیش مردم فاش کند، حالِ تو چگونه خواهد بود. پس حال دیگران را هم در افشای گناهان و عیوب آنها با حال خود مقایسه کن؛ زیرا از اخبار و تجربه، روشن و واضح است که هرکس دیگران را رسوا کند، خود نیز رسوا و مفتضح می شود. پس ای دوست من، بر خود رحم کن و از

این روش پروردگارت در عیب پوشی پیروی کن و بر عیب ها و لغزش های دیگران پرده افکن. (۱)

رسول اکرم (ص) می فرماید:

لا یَسْتُرُ عبدٌ عَیْبَ عَبْدٍ إِلّا تَستُرُهُ اللهُ یَوْمَ القَیامهِ. (۲)

هیچ بنده ای عیب بنده دیگر را نمی پوشاند، مگر اینکه خداوند در روز قیامت عیب او را می پوشاند.

۱- آفات زبان، ص ۲۸۶.

۲- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۱.

ص: ۴۶

۲. غیبت

یکی از زشتی ها و شاید بتوان گفت رایج ترین گناه زبان، غیبت است. وقتی عده ای گرد هم جمع می شوند و از هر دری سخن می گویند تا چیزی گفته و دیگران را سر گرم کرده باشند، معمولاً در ورطه غیبت فرو می روند. این زشتی زبان به گونه ای شیوع پیدا کرده که به جمع های افرادی که انتظار چنین گفت وگوهایی از آنان نمی رود هم نفوذ پیدا کرده است.

در سفرهای زیارتی هم زیاد اتفاق می افتد که همسفران دور هم جمع می شوند و از شخصیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور سخن می گویند و غیبت می کنند. اگر کسی هم نهی از منکر کند، می گویند دروغ نمی گوییم؛ زیرا این افراد تفاوت میان غیبت و تهمت را نمی دانند.

غیبت کردن، یعنی سخن گفتن پشت سر دیگری، به گونه ای که اگر آن را بشنود ناراحت شود. (۱)رسول گرامی اسلام فرمود:

إجْتَنِبُوا الغِیبَهَ فَإنّها إدامُ كِلابِ النّار. (۲)

دوری کنید از غیبت کردن، به درستی که این خوی زشت، نان و خورش سگ های دوزخ است.

۱- المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۶.

ص: ۴۷

در جای دیگر ایشان می فرماید:

«تَحْرُمُ الجَنّهُ عَلَی الْمُغْتابِ» (۱)؛ «بهشت بر کسانی که غیبت می کنند حرام است» .

در سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۲، خداوند زشتی غیبت را بسیار ملموس بیان کرده و فرموده است:

و هیچ یک از شما، دیگری را غیبت نکند! آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد، [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که، خداوند توبه پذیر و مهربان است.

غیبت کردن از افراد باعث می شود که انسان آبروی برادر و خواهر دینی خود را نزد دیگران ببرد؛ بی خبر از اینکه خود نزد خدا، رسول و فرشتگان مقربش بی آبرو شده است.

در مقابل اگر کسی از آبروی برادر دینی خویش نزد غیبت کننده دفاع کند، خداوند بهشت را بر او واجب می کند. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

هر کس در غیاب برادر دینی خود آبرویش را نگه دارد، بر خداوند لازم است تا در روز قیامت، وی را از رسوایی نجات داده، آبرویش را حفظ کند. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۹۹.

۲- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۹.

ص: ۴۸

در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است:

در روز قیامت، اهل جهنم با تمام شکنجه و عذابی که دارند، از آزار و اذیت چهار گروه از مردم در رنج و عذاب به سر می برند؛ این چهار دسته از آب جوشان می نوشند و از سختی این کیفر و عذاب و مجازات الهی فریادشان بلند است. یکی از این چهار گروه افراد غیبت کننده است. (۱)

مکن غیبت هیچ کس را بیان که روزی شود بر تو غیبت عیان

سعدی

چرا سفری که می شود منشأ دوستی های جدید باشد، با گفتن حرف های بی اساس، زمینه ساز تیرگی ها و دشمنی ها کنیم. چرا سفری که برای کسب ثواب و اصلاح ظاهر و باطن است، به سفری تبدیل کنیم که اعمال نیک موجود هم به پرونده شخص غیبت شونده منتقل شود و نه تنها قلبمان از آلودگی ها پاک نشود، بلکه زنگار بیشتری پیدا کند.

حضرت علی (ع) ضمن نکوهش غیبت می فرماید:

«الغِیبَهُ جُهدُ العاجِزُ» (۲)؛ «غیبت کردن، تلاشِ ناتوان است» .

بر این اساس، شایسته است زائران عزیز، قدر و ارزش زبان خویش را بدانند و زبان به غیبت برادران و خواهران خود نگشایند تا از این سفر معنوی، توشه ای الهی و ثواب

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۶۱.

ص: ۴۹

اخروی برگیرند. همچنین، با حفظ زبان از غیبت، روح همبستگی و دوستی را حفظ کنند و در طول سفر، خاطره انگیزترین لحظات را برای خود و دوستان و همسفران رقم بزنند؛ چرا که عطر دوستی پایدارتر از فضای دودآلود غیبت است.

با توجه به اهمیت غیبت و آثار تلخی که در روابط اجتماعی و عاقبت اخروی غیبت کننده دارد، لازم است زائران بکوشند در فرصت هایی که با همسفران صحبت می کنند، از غیبت بپرهیزند و اجازه ندهند دیگران هم به

این گناه آلوده شوند و در صورتی که توانایی جلوگیری از غیبت را ندارند، جلسه را ترک کنند.

۳. دروغ

اشاره

یکی دیگر از زشتی های زبان که بدترین گناه کبیره هم نامیده شده، دروغ است.

دروغگو در دیده انسان خوار و بی اعتبار و نزد خداوند، سرافکنده و شرمسار است. خداوند در قرآن با محروم ساختن دروغگویان از هدایت خویش، بیزاری خود را از آنان اعلام می کند؛ می فرماید:

إِنَّ اللَّه لا یَهْدِی مَنْ هُوَ کَاذِبٌ کَفَّارٌ (زمر: ۳)

خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است، هرگز هدایت نمی کند.

ص: ۵۰

گفتنی است: ایمان هیچ گونه سازگاری با دروغ ندارد و انسان مؤمن هرگز دروغ نمی گوید؛ چراکه دروغ بنای ایمان را خراب می کند.

زائران بایـد به این امر توجه کننـد که دروغگویی توفیق بنـدگی و تهذیب نفس را از انسان می گیرد؛ چراکه نزد خداوند هم کذّاب شناخته می شود. رسول گرامی اسلام (ص) در این باره فرمودند:

إيّاك وَالْكِذبَ فَإنَّ الْكِذبَ يُسوِّدُ الْوَجهَ ثُمّ يُكتَبُ عِندَ اللهِ كَذّاباً. . . . (۱)

از دروغ بپرهیز، زیرا دروغ، رو را سیاه می کند و سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغگو نوشته می شود. . . .

در روایـات معصومین از دروغ به شـدت نهی شـده است؛ چه کوچـک و چه بزرگ چه شوخی و چه جـدّی. بعضـی افراد دروغ می گوینـد و خیـال می کننـد بـا توجیه شوخی یـا مصـلحتی بودن می تواننـد اثر بـد آن را خنثـا کننـد؛ مثلاً پارچه ای می خرنـد و چون همسـفرش از او می پرسد چند خریده ای، به گمان بالاتر بردن تشـخیص خود، قیمت را گران تر می گوید یا وارد مغازه و فروشگاه می شود و برای اینکه جنس را ارزان تر بخرد، می گوید فلان مغازه ارزان تر می داد.

۱- تحف العقول، ص ۱۴.

ص: ۵۱

-سرانجام دروغگویان

دروغ سرچشمه همه گناهان محسوب می شود؛ فرد با دروغ گفتن خود را بی شخصیت می کند و آن گاه که دروغش آشکار شود، اعتبارش از بین می رود و برای اینکه خود را تبرئه نماید، دروغی دیگر می گوید. اما وقتی حقیقت آشکار شد، رسوا می شود. دروغ علاوه بر زیان های روحی و روانی بر فرد، زیان های اجتماعی نیز دارد؛ چراکه شخص دروغگو همواره در ترس است که مبادا دروغش آشکار و به اعتبارش خدشه وارد شود.

خداوند در مذمت دروغ می فرماید: فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ؛ «بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود» . (زخرف: ۵(۱)

حضرت علی (ع) نیز درباره ره آورد شوم دروغ می فرماید: «دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است» . (۲)

همچنین می فرماید: «ای مردم آگاه باشید، بدترین گفتار، دروغ است» . (۳)

-درمان دروغگویی

راستگویی، هماهنگی زبان و دل، و دروغ ناهماهنگی بین زبان و دل است. دروغگو عاقبت اندیشی نمی کند؛

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

ص: ۵۲

چراکه اگر قدری تأمل کند، به زشتی کار خویش واقف می گردد. ازاین رو آن را ترک می کند. پس راه درمان دروغگویی اندیشیدن است؛ چنانچه انسان فرجام دروغگویی را تصور کند و در پی کمال و سعادت مادی و معنوی خویش باشد این بیماری را در خویش درمان و با مجاهده نفس آن را ترک می کند. قلمرو دروغ گسترده است و ممکن است همه جا به سراغ انسان بیاید. حتی در سفر زیارتی نیز ممکن است شخص برای خنداندن همراهان خود، دروغ بگوید.

ازاین رو زائران باید از هر دروغی، چه کوچک و چه بزرگ، چه جدی چه شوخی، بپرهیزند؛ زیرا اگر آدمی به دروغ کوچک زبان بگشاید، دروغ بزرگ نیز خواهد گفت.

-راستگو از گناه محفوظ است

مردی خدمت رسول اکرم (ص) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله (ص) ! مرا به شایسته ترین کارها راهنمایی کن!» حضرت (ص) فرمود: «راستگویی پیشه کن و از دروغ بپرهیز و هر گناه دیگری می خواهی، انجام بده!» مرد از این سخن رسول خدا (ص) در شگفت شد و فرمایش حضرت را پذیرفت و رفت. در بین راه با خود گفت: «پیامبر خدا (ص) مرا از غیر دروغ نهی نکرده است» . پس تصمیم به کار

ص: ۵۳

گناهی گرفت و به سوی آن عمل حرکت کرد» .

همین که مقداری رفت، فکر کرد اگر این عمل را انجام دهم و کسی از من بپرسد، از کجا می آیی؟ نمی توانم دروغ بگویم و اگر راست بگویم نیز، به کیفر شدید و بدبختی بزرگی مبتلا می شوم. بنابراین، منصرف شد. همچنین، یک بار دیگر به فکر گناه افتاد، ولی با خود گفت: «اگر خلاف آن را بگویم، دروغ گفته ام» . پس منصرف شد و در نتیجه، با ترک دروغ، از همه گناهان دوری کرد. (۱)

تفکر در آثار شوم فردی و اجتماعی و همچنین اخروی دروغ کافی است که هر انسان مؤمن و معتقدی را از دروغ گفتن باز دارد؛ چرا باید به گونه ای سخن بگوییم که هر لحظه نگران افشا شدن آن باشیم؛ چرا در فضای معنوی و زیبای اماکن زیارتی که دل ها صفا می گیرد و روح انسان صیقل می یابد، بعضی به خاطر عادت های غلط از همه چیز محروم باشند. حتی دعایشان هم در این اماکن این است که خدایا دروغی که گفتم برملا- نشود و آبرویم در جمع همسفران نرود. تازه در آن فضا هم فرصت دعا برای اصلاح گذشته و توفیق آینده ندارد، بلکه دعا برای اشتباهات روزمره خود می کند.

۱- ر. ک: پند تاریخ، موسی خسروی، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

ص: ۵۴

۴. دشنام و نفرین

اشاره

از دیگر آفت های زبان می توان به دشنام و نفرین اشاره کرد. دشنام، نفرین و مترادف های آن دو، در زبان عرب و دیگر زبان ها با مفاهیمی متفاوت، ولی نزدیک به هم استفاده می شود.

از رفتارها و گفتارهای متداول در جوامع انسانی که با تعلیم و تربیت اسلامی به معنای کامل و جامع تعارض دارد، فحاشی، دشنام، سب و ناسزاگویی، بددهنی و نفرین است. بسیاری از مسلمانان، بدون توجه به پیامدهای ناگوار آن عادت کرده اند؛ به گونه ای که، زشتی بدان فحش و ناسزا، در نظرشان به مرور زمان کم رنگ شده است.

خداوند در قرآن از سب و لعن نهی کرده است. از جمله آیاتی که دارای نکته های آموزنده درباره سب است آیه ۱۰۸ سوره مبارکه انعام است. در این آیه می خوانیم:

(وَ لا تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَیَسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَیْرِ عِلْمٍ)

[به معبود] کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید مبادا آنها [نیز] از روی [ظلم] جهل، خدا را دشنام دهند.

«شیخ طبرسی» در تفسیر این آیه می نویسد:

یعنی بت های مورد پرستش مشرکان را دشنام

ص: ۵۵

مگوییـد که صـلاح نیست و در بحث و گفت وگو، شـیوه پسـندیده ای نمی باشد؛ زیرا آنان بدین وسـیله تحریک می شوند و از راه ستم و بی ادبی و جهل و نادانی، خدا را دشنام و فحش می گویند و شما قدرت تنبیه و ادب کردن ایشان را در [مکه] ندارید و هنوز مأمور قتال نمی باشید. (۱)

همچنین، در تفسیر این آیه، از امام صادق (ع) نقل شده است:

ناسـزاگویی و دشـنام مؤمنان به بت ها، سـبب می شد مشرکان، خدا را سب و ناسزا گویند. پس مؤمنان ناآگاهانه و نه از روی علم و آگاهی، مشرک می شدند و در عمل، شریک کافران می گشتند. (۲)

بر این اساس، باید توجه داشت که حتی به پست ترین و جاهل ترین افراد نیز نباید فحاشـی و ناسزاگویی کرد؛ زیرا این عمل پیامدی سوء دارد. در آموزه های اسلامی، سب و لعن از منکرهاست و هرگز نمی توان با منکری از منکری دیگر نهی کرد.

دین اسلام، دین منطق و برهان است و به همین دلیل توصیه شده است مؤمنان از بددهانی بپرهیزند و حتی برای

۱- سب و لعن از دیدگاه اخلاقی و فقه سیاسی، سید ابراهیم سید علوی، ص۱۲.

۲- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۳، ص ۳۴۷.

ص: ۵۶

تنبیه افراد خطاکار نیز کلمات زشت به کار نبرنـد. همچنین، اگر مؤمن به افرادی برخورد کنـد که به مقدساتش توهین می کنند و به شخص پیـامبر (ص) و ائمّه (علیهم السـلام) دشـنام و ناسـزا می گوینـد، بر او واجب است از حریم ولاـیت و امامت دفاع کنـد، اما به طرف مقابل دشنام و ناسزا نگوید.

همچنین، بـا نفرین و ناسـزاگویی، اطرافیان، دوسـتان، اعضای خانواده، همکاران و افراد آبرومنـد را آزار ندهنـد تا فضایی آکنـده از مهربانی بر خانواده، جامعه و کشور حاکم گردد. رسول گرامی اسلام فرمود:

«لا یَنبَغی لِلْمؤمنِ أنْ یکونَ لعّاناً» (۱)؛ «برای مؤمن شایسته نیست که لعنت گو باشد» .

کسانی که زبان خود را کنترل نمی کنند یا به اخلاق ناپسـند عادت کرده اند، در زیباترین فضاها و در بهترین حالات هم زبانشان به ناسـزاگویی، لعن و نفرین دیگران گشوده می شود. بارها در حال طواف دیده شده است که به خاطر ازدحام جمعیت، زائرانی تحت فشار زائران آفریقایی که از نظر جسـمی قوی تر و بلنـدقامت ترند، قرار می گیرند و در همان حال شـروع می کنند به ناسـزا گفتن به سیاهان.

بعضی اوقات بعد از نمازهای مسجدالحرام جمعیت زیادی به سوی صف های اتوبوس هجوم می آورند. در این

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۲۴.

ص: ۵۷

موقعیت ها اتوبوس کم می شود و زائران مجبورند مدت کوتاهی زیر آفتاب منتظر بمانند تا اتوبوس ها برگردنند. در این حالت افراد کم ظرفیت به برنامه ریزان حج ایران، رانندگان و راهنمایان ایرانی ناسزا می گویند.

-ناسزاگویی و حبس دعا

گاهی اوقات عادت به ناسزاگویی و نفرین دیگران موجب حبس دعا می شود. حتی اگر در بهترین مکان ها دعا شود. امام صادق (ع) فرمود:

عابدی از بنی اسرائیل سه سال پیوسته دعا می کرد تا خداوند به او پسری عنایت کند، ولی دعایش مستجاب نمی شد. روزی عرض کرد: «خدایا! من از تو دورم که سخنم را نمی شنوی یا نزدیکی ولی جوابم را نمی دهی؟» در خواب به او گفتند: «سه سال است خدا را با زبانی که به فحش و ناسزا آلوده است، می خوانی. اگر می خواهی دعایت مستجاب شود، فحش و ناسزا را رها کن. از خدا بترس. قلبت را از آلودگی پاک کن و نیت خود را نیکو گردان» . [حضرت صادق (ع) فرمود:] «او به دستورات عمل کرد، آن گاه خداوند دعای او را اجابت کرد و پسری به او داد» . (۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۵.

ص: ۵۸

۵. زخم زبان

اشاره

یکی دیگر از زشتی های سخن گفتن، زخم زبان است. منظور از «زخم زبان» جراحتی قلبی است که با سخن گفتن بر دیگری وارد می شود. حضرت علی (ع) درباره ضرورت کنترل زبان می فرماید:

اللِّسانُ سَبُعٌ، إِنْ خُلِّیَ عَنْهُ عَقَرَ. (۱)

زبان [تربیت نشده،] درنده ای است که اگر رها شود می گزد.

پس زبـان بایـد در مسیر درست تربیت شود و بـدون انـدیشه حرفی زده نشود، چراکه به فرموده حضـرت علی (ع) : «زبـان عاقل در پشت قلب اوست و قلب احمق در پُشت زبان او قرار دارد» . (۲)

این سـخن ارزشمند می رساند که عاقل سخن نسنجیده نمی گوید، اما احمق هرچه بر زبانش آید، بدون فکر و دقت می گوید. پس زبان عاقل از قلب او و قلب احمق از زبانش فرمان می گیرد.

در حدیث دیگر حضرت می فرماید:

«حَدُّ اللّسَانِ اَمضی مِنْ حَدِّ السَّنانِ» (۳)؛ «برندگی زبان، ماندگارتر از برندگی شمشیر است» .

۱- نهج البلاغه، حکمت ۶۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۰.

۳- غرر الحکم، ص ۲۱۳.

ص: ۵۹

زخم زبان را کاری تر از زخم و ضربه شمشیر می دانند؛ چراکه اگر بر اثر ضربه شمشیر زخمی بر اعضای بدن انسان وارد شود، بعد از مدتی ترمیم خواهد شد. اما طعنه و تحقیر و بدزبانی و زخم زبان، جراحتی بر قلب انسان ایجاد می کند که هرگز التیام نمی یابد.

نیش و کنایه زدن چنان عادت بعضی افراد شده است که با برخورد به کمترین مانع از جانب دیگران، شروع به کنایه زدن می کنند؛ مثلاً در سفر احساس می کند که صندلی دوستش بهتر از صندلی اوست. با هزاران نیش و کنایه می فهماند که جای بهتر را برای خودش برداشته و صندلی آفتاب گیر یا عقب ماشین را به او داده است. در اطاق، تخت بهتر را برای خودش برداشته، تخت سفت، جلوی در یا. . . را به او داده است. میوه های رسیده را خودش می خورد و میوه های نارس را به او می دهد. همین طور هر چیزی را بهانه می کند تا کنایه هایش را نثار هم اطاقی و همسفر خود کند. راستی چرا بعضی افراد زبان گزنده دارند و هیچ یک از خدمت های دوستان خود را نمی بینند و تنها با توقعی کوچک و بی جا چنان زخم زبان می زنند که هرگز فراموش نمی شود.

-کوچک، ولی فتنه انگیز

«معاذ بن جبل» نقل می کند که روزی به حضرت رسول (ص) عرض کردم: «یا رسول الله! مرا نصیحت کنید!»

ص: ۶۰

حضرت فرمود:

ای معاذ! خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی و درباره خود این گونه بیندیش که در میان مردگانی!

سپس در ادامه پند و اندرز خود فرمود:

ای معاذ! اگر تمایل داشته باشی، تو را به چیزی آگاه می سازم که بیشتر از هر چیزی در اختیار توست. آن گاه بی آنکه منتظر پاسخی از طرف من باشد، با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد. (۱)

از این اشاره رسول اکرم اهمیت صیانت از زبان روشن می گردد؛ به خصوص برای کسانی که اطرافیان از او انتظار دارند که حاج آقا و حاجیه خانم به آنان زخم زبان و نیش و کنایه نزند.

۶. چاپلوسی و تملق

اشاره

از دیگر آفت های زبان، چاپلوسی و تملق است. چاپلوسی، از موارد رایج آسیب های زبان و نشانه پستی و انحطاط اخلاقی است. در سخنان اولیای دین و اندیشمندان اسلامی، به پیامدهای روانی – اجتماعی و عقوبت اخروی این صفت نکوهیده اشاره شده است. برخی افراد برای اینکه بتوانند نزد دیگران جایگاهی بیابند،

۱- المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۳.

ص: ۶۱

همواره با زبان تملق، خود را عزیز و گرامی جلوه

می دهند. چنین افرادی برای فریب دیگران، از زبان چرب و نرم استفاده می کنند و با سخنان و وعده های دروغ، به مقاصد پلیدشان دست می یابند.

چاپلوسی از قدر و منزلت انسان می کاهد و او را در نگاه دیگران سبک می کند. انسان با ایمان، خداوند را مالک حقیقی جهان می دانـد و معتقـد است آدمی تنهـا بـا اراده الهی می توانـد اوج بگیرد. ازاین رو هیـچ گـاه بـا تملق، خود را به صاحبان قـدرت و ثروت نزدیک نمی کند. حضرت علی (ع) می فرماید:

اِیّاکَ والْمَلَقَ فَاِنَّ المَلَقَ لَیْسَ مِنْ خَلائِقِ الاِیمانِ. (۱)

از چاپلوسی بپرهیز که چاپلوسی از خصیصه های ایمان نیست.

در آموزه های دینی نهی شده از اینکه مؤمن، چاپلوس باشد. گفتار مؤمن رنگ خدایی دارد و با سـخنان پسـندیده، محبوب دیگران می شود. زائر حقیقی نیز، کسی است که از رذایلی چون چاپلوسی و نمامی به دور باشد.

-کاه و کوه

شخصی به نام محفن نزد معاویه آمد. معاویه از او پرسید: «از کجا می آیی؟» محفن برای خوش آمد معاویه و

۱- غرر الحکم، ص ۲۱۵.

ص: ۶۲

دریافت جایزه از در چاپلوسی وارد شد و گفت: «از نزد علی که بخیل ترین فرد عرب است!» معاویه با اینکه دشمن سرسخت امام علی (ع) بود، نتوانست این تهمت ناروا و ناجوانمردانه را تحمل کند؛ به او گفت:

ای نادان! چگونه علی بخیل ترین مرد عرب است! سوگند به خدا اگر علی دارای دو اتاق باشد که یکی از آن اتاق ها پر از کاه و دیگری پر از طلا باشد، اتاق طلای او بر اثر انفاق زودتر از کاه خالی می گردد. (۱)

-از چاپلوسی بیزارم

امام علی (ع) در یکی از خطبه های خود که در صفین ایراد کرد، چنین فرمود:

. . . من ناخوش دارم که در پندار شما چنین آید که من خواهان ثنا و ستایشم و سپاس خدایی را که چنین نیستم. اگر هم دوست می داشتم که مرا بستایید به سبب فروتنی در برابر پروردگارم آن را ترک می کردم؛ زیرا تنها اوست که سزاوار عظمت و کبریاست. بسیار اتفاق افتد که مردم پس از انجام کار مهمی که کرده اند، می خواهند که آنان را ستایش کنند. ولی مرا به سبب

۱- کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۲۱.

ص: ۶۳

فرمانبرداری ام از خدا و رفتار نکویی که با شما داشته ام، به نیکی مستایید؛ زیرا هنوز حقوقی است که من ادای شان نکرده ام و فرامینی که بر گردن من است، باید آنها را بگذارم.

آن سان که با جباران سخن می گویید، با من سخن مگویید و از من پنهان مدارید آنچه را مردم خشمگین، هنگام خشمشان پنهان می دارند. همچنین با چاپلوسی و تملق با من برخورد نکنید و مپندارید که گفتن حق بر من گران می آید و نخواهم که مرا بزرگ انگارید؛ زیرا هرکس شنیدن حق بر او گران آید یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشنود، عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوارتر آید. پس با من از گفتن حق یا رأی زدن به عدل نایستید؛ زیرا من در نظر خود بزرگ تر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم. مگر آنکه خدا مرا در آنچه با نفس من رابطه دارد، کفایت کند؛ زیرا او تواناتر از من به من است.

ما و شما بندگانی هستیم در قبضه قدرت پروردگاری که پرورش دهنده ای جز او نیست. او صاحب اختیار ماست در آنچه خود به آن اختیار نداریم. اوست که ما را از آنچه در آن

ص: ۶۴

غوطه وریم، بیرون می کشد و به راهی که صلاح ما در آن است، می برد. او بود که ما را پس از گمراهی هدایت کرد و پس از نابینایی، بینایی بخشید. (۱)

۷. تهمت

اشاره

تهمت یکی از زیان بارترین و جبران ناپذیرترین کارکردهای زبان است. این آفت زبان، برای خود پرونده سیاهی دارد که هیچ قاضی مقتدری نمی تواند از عهدهٔ اصلاح و پاکسازی آن برآید. ابعاد ناگفته تهمت، بیش از ابعاد مکرر گفته شده آن است.

اگر در جامعه ای تهمت رواج پیدا کند، به یقین آن جامعه سربلند نخواهد شد.

حضرت علی (ع) در مورد پرهیز از مواضع اتهام می فرماید:

مَنْ وضَعَ نَفْسَهُ مَواضِعَ التُّهمَهِ فلا یَلُومَنَّ مَنْ أساءَ بِهِ الظَّنَّ. (۲)

کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد نباید کسی را که به او بدگمان است، نکوهش کند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹.

ص: ۶۵

-عذاب عظیم تهمت زنندگان

پیامبر گرامی اسلام (ص) در مذمت بهتان می فرماید:

هرکس به مرد یا زن با ایمانی تهمت بزند یا درباره کسی چیزی بگوید که در او نیست، خداوند در قیامت او را بر تلی از آتش قرار می دهد تا از آنچه گفته است خارج شود و از عهده گفته خود بیرون آید. (۱)

-پرهیز از جایگاه تهمت

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود:

هرکس به برادر مؤمن خود تهمت و افتراء بزند، ایمان در دلش آب شده، نابود می گردد؛ همان گونه که نمک در آب حل شده و از بین می رود. (۲)

تهمت آن است که انسان، صفت یا کاری را به دروغ به دیگری نسبت دهد و شخصی را که مرتکب کاری ناپسند نشده است، به انجام آن متهم کند یا عیب و نقصی را که در او نیست، به او منتسب کند؛ چه این نسبت دروغ در حضور او باشد، چه در غیاب او. حضرت علی (ع) در نکوهش تهمت می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۳.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۶۶.

ص: ۶۶

البُهتانُ عَلَى البَرِیءِ، أَثقَلُ مِن السَّماوات. (۱)

تهمت زدن به کسی که پاک و بی گناه است، گناه و کیفر آن از آسمان ها سنگین تر است.

تهمت زنی به دیگران مصادیق بسیاری دارد که بدترین آن درباره مسائل ناموسی است. ولی چنانچه خوب به گفتارمان دقت کنیم، متوجه برخی مصادیق آن می شویم و می فهمیم که گاهی ناخودآگاه به ورطه این گناه بزرگ می افتیم.

که در سفرهای زیارتی برخی زائران که از وضعیت کارها خبر ندارند، ازاین رو، مسئولان حج و زیارت، خدمه و مدیران کاروان و حتی همسفران خود را به امور غیر واقع متهم می کنند؛ مثلاً- مسئولان را به کوتاهی در کارها، گرفتن پول زیاد و غیره متهم می کنند. خدمه را متهم می کنند که به ما خدمات نمی رسانند. مدیر را به پارتی بازی متهم می کنند. درحالی که اگر تحقیق می کردند هیچ گاه خدمت گزاران خود را به چیزهای بی اساس متهم نمی کردند.

-عاقبت تهمت زنندگان

روزی عیسی بن مریم (ع) از کنار گروهی از یهودیان

گذشت؛ برخی از آنها به برخی دیگر گفتند: «جادوگر

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۰۳.

ص: ۶۷

آمد» ، و به مادرش حضرت مریم که به فرمان الهی بدون همسر باردار شده بود، تهمت بزرگی زده و نسبت زنا دادند. حضرت عیسی (ع) تهمت و افترای آنها را شنید و رو به درگاه آفریدگار جهان کرد و گفت:

خدایا تو پروردگارم هستی و مرا آفریدی و من به میل خود مورد تهمت و افترا قرار نگرفته ام، بلکه خلقت خارق العاده و اعجاب انگیز تو باعث گفتار ناهنجار و سخنان زشت آنها گردیده. خدایا کسی که مرا دشنام داد و به مادر پاکدامنم نسبت عمل خلاف عفت داد، لعنت کن.

خداوند متعال دعای پیامبرش را مستجاب کرد و آنها را به صورت خوک و گراز در آورد. هنگامی که تهورا «رهبر پیشوای یهودیان» از این حادثه باخبر شد، ترسید که حضرت عیسی (ع) ، او را هم نفرین کند. از این رو تمام یهودیان را جمع کرد و آنان را به کشتن عیسی بن مریم (ع) تحریک و ترغیب نمود و آنان هم تحت تأثیر تبلیغات سوء آن ملعون قرار گرفته و تصمیم به کشتن آن حضرت گرفتند. آفریدگار جهان، فرشتهٔ وحی، «جبرییل» را بر روی زمین فرستاد که عیسی بن مریم (ع) را از ضرر و آسیب آنان نگه دارد و به او کمک کند. یهودیان اطراف عیسی بن مریم (ع) را گرفتند و از او چیزهایی را پرسیدند؛ حرف های

ناهنجار و درشتی به آن بزرگوار زدند.

ص: ۶۸

عیسی بن مریم (ع) در جواب به آنها فرمود: «ای گروه یهود خداوند شما را دشمن می دارد» . یهودیان به آن حضرت حمله کردند تا او را به قتل برسانند؛ جبرئیل آن بزرگوار را به خانه ای که سقفش روزنه داشت، داخل کرد و از آنجا به آسمان برد. (۱)

۸. خودستایی

خودستایی از نظر اخلاقی، کاری ناپسند است و ائمه (علیهم السلام) نهی کرده اند.

حضرت علی (ع) خودستایی را در صورت راست و واقعی و به جا بودن بدترین راست ها معرفی می کند و می فرماید:

أَقبَحُ الصِّدقِ ثَناءُ الرَّجُلِ علی نَفسِه. (۲)

بدترین و ناپسندترین گفتارهای راست، خودستایی است.

در واقع هرکس خویشتن را ستایش نماید، نفس خود را قربانی کرده است. خودستایی باعث خود بزرگ بینی و در نهایت باعث تکبر و غرور کاذب می شود. تکبر باعث می شود که شخص خود را از دیگران برتر بداند و به آنان

به دیده حقارت بنگرد. در نتیجه همیشه گفتار و اندیشه و

۱- ر. ک: نفس در اسارت شیطان، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- غرر الحکم، ص ۴۶۶.

ص: ۶۹

رفتار خود را حق می داند و حاضر نیست به اشتباه خود اعتراف کند. شخص خودستا دوست دارد همه به او احترام بگذارند و از او تعریف نمایند. چنین فردی در راه رفتن و نشستن هم می خواهد بر دیگران مقدم گردد و اگر خلاف انتظارش عمل شود، ناراحت شده بدگویی می کند.

بهتر است انسان با تفکر در احوالات افراد مغرور و خودستا قدری در رفتار و گفتار خود تأمل کند و بداند که هر کدام از اخلاق رذیله، فضایل اخلاقی را از بین می برد و انسان را بعد از مدتی در نظر مردم بی اعتبار جلوه می دهد. چقدر بد است که انسان به دلیل معصیت از رحمت خدا دور شود و اعتبارش هم بین مردم کاسته شود.

انسان های کم ظرفیت و ضعیف النفس وقتی می خواهند جلب توجه کنند، خود را می ستایند، ویژگی های غیر واقعی به خود نسبت می دهند تا شاید در نظر دیگران جلوه کنند.

آیا تا به حال کسی با خودستایی محبوب دیگران شده است که تو، خواهر و برادر همسفر، به محبوبیت برسی. آیا نشنیده ای که می گویند: «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید» .

یکی از مشکلات انسان خودستا این است که خودش

گفته های خود را باور می کند و انتظار دارد دیگران همه جا

ص: ۷۰

او را مقدم بدارند؛ در سفر بهترین صندلی را به او بدهند؛ در اطاق بهترین تخت را برای او بگذارند؛ دیگران کار کنند و همه چیز را آماده کنند.

ای همسفر چه زیباست سخن علی (ع) که فرمود:

کَفی بالمَرءِ مَنقِصَهً أنْ یُعظِّمَ نَفْسَهُ. (۱)

در نابخردی و کوته فکری شخص همین بس که خود را بزرگ بشمارد.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

۹. سخن چینی

اشاره

یکی دیگر از زشتی های زبان، سخن چینی و سعایت است. سخن چینی عبارت است از: شخص سخن چین یا راز کسی را برای دیگری بازگو کند و بدین وسیله میان افراد، ناراحتی و اختلاف بیندازد. در زبان قرآن و روایات، از سخن چین با واژه های نمّام و قتّات یاد شده است.

در گفت وگوهای دوستانه وظیفه هر مسلمانی امانتداری و حفظ اسرار است. شایسته نیست مسلمان بین دو فرد قرار گیرد و سخن یکی را برای دیگری باز گوید.

این عمل موجب اختلاف و دشمنی می شود و رابطه افراد را به هم می زند.

۱- غرر الحکم، ص۳۰۸.

ص: ۷۱

پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی فرمود: «می خواهید از شرورترین افراد به شما خبر دهم؟» افراد حاضر پاسخ دادند: «بله یا رسول الله» حضرت فرمود: «آنهایی که بسیار سخن چینی می کنند و میان دوستان اختلاف و جدایی می اندازند» . (۱)

شاید شما زائر گرامی نمونه هایی از سخن چینی های تفرقه انگیز را سراغ داشته باشید. شاید برخی قربانیان این صفت زشت را بشناسید؛ افرادی که خانواده هایشان متلاشی شده و خسارت مالی و جانی سختی خورده اند یا دخترانی که برای همیشه از ازدواج و تشکیل خانواده باز ماندند.

امام صادق (ع) فرمود:

بزرگ ترین جادوگری، سخن چینی است؛ زیرا این خصلت میان دوستان جدایی می اندازد و افراد باصفا را به عداوت و دشمنی می کشاند؛ سبب ریختن خون ها و آبرو و ویرانی خانواده ها می شود. نمّام و سخن چین، بدترین و شرورترین فردی است که روی زمین حرکت می کند. (۲)

پس ای همسفر بیا در این سفر، امین و رازدار هم

باشیم و در جهت ایجاد رابطه صمیمانه بکوشیم و نه تفرقه انگیز.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱.

ص: ۷۲

-سرانجام سخن چینی

برای هـارون الرشـید لبـاس هـای فاخر و گران قیمتی آورده بودنـد. آن را به علی بن یقطین، وزیر [شـیعه] خود بخشـید. از جمله آن لبـاس ها، دراعه ای (۱)طلابـافت و از جنس خز بود که به لبـاس پادشاهـان شـباهت داشت. علی بن یقطین نیز آن لبـاس ها را همراه اموال دیگری برای امام کاظم (ع) فرستاد. حضرت دراعه را توسط شخص دیگری برای وزیر فرستاد. او شک کرد که علت چیست؟ حضرت در نامه ای نوشتند: آن را نگه دار و از منزل خارج مکن که روزی احتیاج می شود.

علی بن یقطین پس از چنـد روز بر یکی از غلامـان خود خشم گرفت و او را از خـدمت عزل کرد. غلام معزول نزد هـارون الرشـید سخن چینی کرد که علی بن یقطین قائل به امامت موسی بن جعفر (ع) است و خمس اموال خود را هر سال برای او می فرستد. برای نمونه همان دراعه ای را که شما به او بخشیدید در فلان روز برای موسی بن جعفر (ع) فرستاد.

هارون بسـیار خشـمگین شد و گفت: «باید این راز را کشف کنم» . همان دم در پی علی بن یقطین فرسـتاد؛ هنگامی که حاضـر شد، گفت: «آن دراعه ای را که به تو

۱- لباسی که جلویش باز است و روی لباس می پوشند.

ص: ۷۳

دادم چه کردی؟» علی بن یقطین گفت: «در خانه است و آن را در پارچه ای پیچیده ام و هر صبح و شام آن را باز می کنم و به آن تبرک می جویم!» هارون گفت: «هم اکنون آن را بیاور» . علی بن یقطین یکی از خادمان خود را فرستاد و گفت: «دراعه در فلان اتاق، داخل فلان صندوق و در پارچه ای پیچیده است. برو آن را زود بیاور» . غلام رفت و آن را آورد.

هارون دید دراعه میان پارچه گذاشته شده و عطرآلود است. خشمش فرو نشست و گفت: «آن را به منزل خود برگردان» . دیگر سخن کسی را درباره تو قبول نمی کنم و جایزهٔ زیادی به او بخشید. آن گاه دستور داد غلامی را که سخن چینی کرده بود، هزار تازیانه بزنند. هنوز بیش از پانصد تازیانه به او نزده بودند که مرد. (۱)

۱۰. رازگشایی

اشاره

هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خویش اسراری دارد که باید در نگهداری آن بکوشد. برخی از این

اسرار، مربوط به خود و برخی مربوط به خانواده یا جامعه اوست. امروزه با توجه به وجود ابزار پیشرفته و حساس جاسوسی و اطلاعاتی و کاربرد گسترده آن برای دگرگونی

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

ص: ۷۴

سرنوشت ملت ها، ضرورت رازداری، بدیهی و انکارناپذیر است و گذشته از آنکه فضیلتی اخلاقی به شمار می آید، در نیک بختی انسان ها نیز تأثیر بسزایی دارد.

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

اَلظَّفَرُ بِالحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِإِجالَهِ الرَّأیِ وَالرَّأیُ بِتَحصینِ الأَسْرارِ. (۱)

پیروزی، به دور اندیشی و دور اندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به رازداری است.

ایشان در سخنی دیگر، رسیدن به موفقیت را در سایه رازداری دانسته است:

أَنْجَحُ الأُمُورِ ما أَحاطَ بِهِ الْکِتمانُ. (۲)

موفق ترین کارها آن است که پنهان کاری آن را فراگیرد.

در مقابل، افشای اسرار سبب دوری از موفقیت و حتی سقوط و شکست می شود؛ چنان که حضرت صادق (ع) فرمود:

«اِفشاءُ السِّرِّ سُقُوطٌ» (۳)؛ «برملا کردن راز، [مایه] سقوط است» .

هر فرد، خانواده، تشکیلات و جامعه ای، کم و بیش

۱- بحارالانوار، ج۶۸، ص ۳۴۱.

۲- غرر الحکم، ص۳۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۹.

ص: ۷۵

اسرار و اطلاعاتی دارنـد که دیگران نباید از آنها آگاه شوند و آشکار ساختن آن برای دیگران، چه بسا آسیب ها و گرفتاری های بزرگی در پی دارد.

اسرار آدمی از دو حال بیرون نیست: یا بیانگر دولت و سعادت و نیک فرجامی است یا بیانگر نکبت و شقاوت و ناکامی است. رازداری در هر دو حال نیکوست؛ زیرا اگر راز، از دولت و سعادت انسان خبر دهد، اظهار آن موجب دشمنی بدخواهان و حسد ابنای زمان و توقع ارباب طمع و دون همتان می شود و اگر راز، از ناکامی و نکبت آدمی خبر دهد، بروز آن، شماتت دشمنان و اندوه دوستان و خفت در نظر ظاهربینان را در پی دارد. (۱)

-حفظکردن رازهای خود

آن که رازدار خویش نیست، نمی تواند اسرار دیگران را حفظ کند؛ چنان که امام علی (ع) می فرماید:

مَن ضَعُفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَم یَقْوَ لِسِرِّ غَیرِهِ. (۲)

کسی که نتواند اسرار خود را حفظ کند، نمی تواند رازهای دیگران را نگه دارد.

از سوی دیگر، کسی که در حفظ اسرارش، ناتوان یا بی اعتناست، نباید انتظار داشته باشد که مردم سرّ او را

۱- معراج السعاده، ص ۴۱۶.

۲- غرر الحکم، ص ۳۲۱.

ص: ۷۶

پوشیده نگاه دارند.

امام رضا (ع) می فرماید:

لَم یَخُنْکَ الاَمینُ و لکِنِ ائْتَمَنْتَ الخائنَ. (۱)

امین به تو خیانت نکند، تویی که به خیانتکار امانت سپردی.

خامشی به که ضمیر دل خویش

سعدی

آدمی در حفظ راز خویش، از هرکسی تواناتر و شایسته تر است و نباید اسرار خویش را با کسی در میان بگذارد؛ زیرا آن گاه که او سرّ دل می گشاید و تأکید می کند

که این راز میان ما دو نفر بماند، چه بسا آن شخص نیز با دیگری همان راز را در میان نهد و تأکید ورزد که این راز میان ما دو نفر بماند. این عمل سلسله وار ادامه می یابد تا جایی که راز آدمی، آشکار می شود. در این حال، هرچند شخصی که رازگشایی کرده مرتکب گناه شده ولی نباید جز خود را ملامت کند که بار نخست، راز خویشتن را بی هیچ تأمل و تدبر به نامحرم گفته و پیش از همه از راز خویش پرده برداشته است.

۱- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۴۶۶.

ص: ۷۷

حضرت علی (ع) می فرماید:

وَالْمَرءُ اَحفَظُ لِسِرِّهِ وَ رُبَّ ساعٍ فیما یَضُرُّهُ. (۱)

و انسان بهتر از هرکس دیگری می تواند اسرار خویش را حفظ کند. بسیارند کسانی که بر زیان خود می کوشند.

بنابراین، آدمی باید در اینکه چه می گوید و با که می گوید دقت کند. آیا هرکسی شایستگی شنیدن همه گفته های او را دارد یا خیر؟ ممکن است کسی رازی را بشنود، آن گاه نه از سر دشمنی، بلکه به خاطر نداشتن ظرفیت درونی و آمادگی روحی بر پذیرش آن، ناخودآگاه به افشای آن بپردازد. ازاین رو، حقایقی هست که برای برخی، به ویژه آنها که وجودشان را زنگار هوای نفس و نادانی و لجاجت در بر گرفته است، باید همیشه ناگفته بماند.

به شمشیرم زد و با کس نگفتم که راز دوست از دشمن نهان به

حافظ

-رازگشایی با محرمان

چنین نیست که انسان راز خویش با هیچ کس نگوید، بلکه گفتن راز و با محرم اسرار درددل کردن، روح و جان را سبک می کند و آدمی با پشتیبانی دیگران دلگرم و آرام

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ص: ۷۸

می شود. البته در این میان، بهترین رازدار بندگان، خالق ستار و پرده پوش است.

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد

حافظ

آن هنگام که پیامبر اسلام (ص) از مأموریت هجرت خویش به مدینه باخبر شد، باید شخصی را انتخاب می کرد و این راز را با او در میان می نهاد تا یاری اش کند. در آن حال، پیامبر خدا (ص) تنها یک تن را یافت که توانست به او اعتماد کند و این شخص، کسی جز علی (ع) نبود.

رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم با دوست بگوییم که او محرم راز است

حافظ

زمانی که اسرار، نگفتنی است یا شنوای راز، محرم نیست، دل باید صندوق و نگاهدار باشد و از امانت خویش به بهترین صورت امانت داری کند و آن را به گاه ضرورت نیز جز به امانتدار نسپارد و این فرموده زیبای امیرالمؤمنین علی (ع) را در نظر داشته باشد که:

«صَدْرُ العاقِلِ صُندُوقُ سِرِّهِ» (۱)؛ «سینه انسان عاقل، صندوق اسرار است» .

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۶۶.

ص: ۷۹

یکی از ویژگی های پیامبر خدا (ص) ، امانتداری و رازداری ایشان بود. او هرگز راز کسی را برملا نکرد. ما نیز به پیروی از این معطرترین گل بوستان آفرینش، باید از افشای هرچه به عنوان راز به ما سپرده اند، بپرهیزیم.

غم حبیب نهان به ز گفت وگوی رقیب که نیست سینه ارباب کینه محرم راز

حافظ

-عوامل افشای راز

اشاره

برخی عوامل افشای رازها عبارتند از:

الف) پرحرفی

اشخاص پرحرف، برای اشباع میل سخن گویی، از هر دری سخن می گویند و آنچه در دل و ذهن دارند به دیگران منتقل می کنند. چه بسیار اتفاق می افتد که

پرحرفی سبب پرده برداشتن از اسرار می شود.

ب) عقده حقارت

در جلسات دوستانه و نشست ها، غالباً از مطالب گوناگون سخن به میان می آید. افرادی که کمبود شخصیت و ضعف نفس دارند، می کوشند با سخنانی تازه، نظر حاضران را به خود جلب و احساس حقارت خود را جبران کنند و بدین ترتیب، برخی رازها را برملا می سازند.

ص: ۸۰

ج) دوستی و رفاقت

سومین عامل فاش شـدن اسـرار، دوستی ها و رفاقت هاست. شـخص آگاه و فهیم باید دوستی و رفاقت را از حریم اسـرار جدا کند و اسرار خود و دیگران را در اختیار دوستانش قرار ندهد. حضرت صادق (ع) فلسفه این کار را چنین بیان می فرماید:

لا تُطَّلِعْ صَدیقَک مِنْ سِرِّک اِلاّ عَلی ما لَوِ اطَّلَعَ عَلَیهِ عَدُوُّک لَم یَضُرَّک فَاِنَّ الصَّدیقَ قَدْ یَکونُ عَدُوُّک یوماً ما. (۱)

دوستت را بر اسرارت آگاه مکن مگر آن مقدار از اسرارت که اگر دشمنت هم از آن باخبر شد، زیانی به تو نرسد؛ شاید دوستت نیز روزی دشمن تو شود.

د) احساساتی شدن و عصبانیت

از عوامل افشای اسرار، تحمل نکردن بدی هاست. بسیار اتفاق می افتد که فرد یا افرادی بر اثر ناراحتی از کسی، اسراری را برملا می کنند. ولی پس از آن، پشـیمان می شوند. بنابراین، آنها که بر احساسات و خشم خویش مسلط هستند، بر حفظ اسرار خود و دیگران تواناترند.

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶۹.

ص: ۸۱

۱۲. اهانت و تحقیر

از دیگر آفت هـای زبان اهانت و تحقیر دیگران است. بی گمان، کسـی که زبان به اهانت می گشایـد آلوده شـده و در واقع خود را تحقیر کرده است. در حدیثی از پیامبراسلام (ص) آمده است:

أَذَلُّ النّاسِ مَنْ أَهانَ النّاسَ. (۱)

ذلیل ترین مردم، کسی است که به آنان اهانت روا دارد.

تحقیر کردن مؤمن از زشت ترین کارکردهـای زبان است. هرگز نبایـد افراد فقیر، ناتوان یا کسانی که عیوب ظاهری دارنـد را تحقیر کرد؛ چراکه خداوند به امور انسان ها آگاه است و این عمل برپایه فضایل اخلاقی نیست. امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

هیـچ مؤمن فقیری را تحقیر نکنیـد، به درستی که هرکس مؤمن تهیدستی را تحقیر نموده و کوچکش کند، خدا او را تحقیر می کند و همواره مورد خشم و غضب خداوند خواهد بود، تا از تحقیر کردن بیرون برود، یا توبه کند. (۲)

بعضی عادت کرده اند که دیگران را تحقیر کنند؛ مثلاً به دیگران لقبی می دهند، کسانی که به تحقیر کردن دیگران

۱- نهج الفصاحه، ص ۴۸.
۲- بحارالانوار، ج۷۵، ص ۱۴۶.

ص: ۸۲

عـادت کرده انـد، در سـفرهای زیارتی نیز گاه مشاهـده می شود که به تحقیر دیگران می پردازنـد مثلاً وقتی در مکه و مـدینه با آدم هـای سیاه پوست یـا فقیر روبه رو می شونـد، آنـان را تحقیر می کننـد یـا در عراق وقتی فقر مردم این کشور را می بیننـد نگـاه های تحقیرآمیز می کننـد. این برخـورد، زیبنـده زائر ایرانی نیست. هیـچ کس در انتخـاب رنـگ پـوست خود مختـار نبوده است. بنـابراین سزاوار نیست برای چیزی که در اختیار او نیست، تحقیر شود.

۱۳. بازگویی گناه

بازگویی گناه دو حالت دارد: بازگویی گناهانی که دیگران مرتکب شده اند و گناهانی که فرد خودش مرتکب شده است.

در صورت اول حق نداریم گناه دیگران را برای کسـی بازگو کنیم؛ زیرا این عمل از مصادیق اشاعه فساد و فحشاست و قرآن از این عمل منع کرده است و می فرماید:

إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَهُ فِی الَّذِینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ (نور: ۱۹)

به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم با ایمان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است.

اما صورت دوم نیز که خودمان مرتکب گناهی شده ایم،

ص: ۸۳

حق نداریم آن را برای دیگران بیان کنیم و آبروی خود را نزد دیگران ببریم، بیان گناهان برای دیگران دو نتیجه جبران ناپذیر دارد:

الف) نقل گناهان صورت گرفته برای دیگران باعث می شود که از زشتی گناه کاسته شود و دیگران هم به آسانی مرتکب آن شوند.

ب) نزد دیگران بی آبرو و بی اعتبار می شود. وقتی کسی از اشتباهات گذشته خود سخن می گوید، آبروی خود را

می برد و اطمینانی را که دیگران به او داشتند از بین می رود.

این عمل از دیدگاه اسلام پذیرفتنی نیست، به ویژه اگر کسی از گناهانی که انجام داده، راضی و خوشحال باشد.

حضرت علی (ع) فرمود:

شَرُّ النّاسِ مَنْ لا یُبالِی اَنْ یَراهُ النّاسُ مُسِیئاً. (۱)

بدترین مردم کسی است که از اینکه مردم او را گناهکار ببینند، پروایی ندارد.

۱- غرر الحکم، ص۴۶۳.

ص: ۸۴

ص: ۸۵

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، صبحی صالحی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۷ه. ق.

۱. آثار الصادقین، صادق احسان بخش، قم، دارالعلم، ۱۳۶۶ه. ش.

۲. آداب معاشرت، نمایندگی ولی فقیه در مرکز تحقیقات سپاه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ه. ش.

۳. آفات زبان، سید محمد امین، بی جا، ۱۳۷۱ه. ش.

۴. آفات زبان در آیات قرآن احادیث و روایات، محسن غفاری، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۹ه. ش.

۵. احیاء علوم الدین، ابوحامد محمد بن محمد غزالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ه. ق.

۶. ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم، شریف الرضی، ۱۴۰۹ه. ق.

ص: ۸۶

۷. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۵ه. ش.

۸. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا.

۹. برگزیده رساله قشریه، علی محمد پشت دار، ابوالقاسم قشیری، فرهنگ صبا، ۱۳۷۱ه. ش.

۱۰. پند تاریخ، موسی خسروی، چاپ چهاردم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۶ه. ش.

۱۱. پیام پیامبر (ص) ، سید محمدتقی حکیم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ه. ش.

۱۲. تحف العقول، ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۰ه. ق.

۱۳. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.

۱۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ه. ش.

۱۵. خصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، ترجمه: آیت الله کمره ای، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، بی تا.

ص: ۸۷

۱۶. در سایه اولیای خدا، محمود شریعت زاده خراسانی، چاپ اول، دارالصادقین، ۱۳۷۸ه. ش.

۱۷. دنیای زبان، ۱۹۰ گناه زبان، کریم فیضی تبریزی، چاپ هفتم، نشر تهذیب، ۱۳۸۹ه. ش.

۱۸. دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ه. ش.

۱۹. روضه الواعظین، محمد بن احمد فتال نیشابوری، تحقیق: غلام حسین مجیدی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ه. ش.

۲۰. سب و لعن از دیدگاه اخلاق و فقه اسلامی، سید ابراهیم سید علوی، قم، مؤسسه الهادی، ۱۳۷۳ه. ش.

۲۱. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، تهران، انتشارات فراهانی، بی تا.

۲۲. شناخت و درمان بیماری های روحی، سید مهدی شمس الدین، چاپ دوم، انتشارات شفق، ۱۳۷۴ه. ش.

۲۳. صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع) ، ترجمه: داریوش شاهین، چاپ اول، انتشارات زرین، ۱۳۵۶ه. ش.

۲۴. عزت و ذلت آفرین های زبانی، احسان زاهدی، چاپ اول، نشر الطیار، ۱۳۸۰ه. ش.

۲۵. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ه. ش.

۲۶. قصه های قرآنی (یکصد داستان شنیدنی پیرامون قرآن کریم) ، محمدرضا اکبری، چاپ هفتم، پیام عترت، ۱۳۷۷ه. ش.

ص: ۸۸

۲۷. کشکول، بهاءالدین محمد بن حسن عاملی (شیخ بهایی) ، ترجمه: بهمن رازانی، تهران، وزین، ۱۳۷۹ه. ش.

۲۸. کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات کتابفروشی علمی، بی تا.

۲۹. کلید گنج سعادت (حکایات و روایات) ، سید ابوالقاسم هاشمی ارسنجانی، قم، انتشارات ندای دوست، ۱۳۷۹ه. ش.

۳۰. کنز العمال، علی بن حسام الدین متقی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵ه. ش.

۳۱. مثنوی معنوی، جلال الدین مولوی، به اهتمام رنیولدالین نیکلسون، مصحح: غلامحسین دوبزرگی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۰ه. ش.

۳۲. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۵ه. ش.

۳۳. مجموعه ورام، ابوالحسن ورام بن ابی فراس، ترجمه: محمدرضا عطایی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ه. ش.

۳۴. المحجه البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، قم، دارالنشر، ۱۳۶۹ه. ش.

۳۵. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.

۳۶. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات امین و رشیدی، بی تا.

ص: ۸۹

۳۷. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، فتح الله بن شکرالله کاشانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ه. ش.

۳۸. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۴ه. ش.

۳۹. نفس در اسارت شیطان، معصومه بیگم آزرمی، چاپ هفتم، تهذیب، ۱۳۸۹ه. ش.

۴۰. نقش زبان در سرنوشت انسان ها، مهدی فقیه ایمانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵ه. ش.

۴۱. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، محمدرضا مهدوی کنی، چاپ اول، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ه. ش.

۴۲. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حُر عاملی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۳ه. ش.

۴۳. هزار و یک حکایت اخلاقی، محمدحسین محمدی، چاپ سوم، صالحان، ۱۳۸۸ه. ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹